

پشت‌بوم

بیچاره فرهنگستان هنر

حسین هاشم‌پور

● **جامعه هنری همچنان مبهوت پیام باور** نکردنی محمدعلی معلم‌دامغانی، رئیس فرهنگستان هنر است؛ او چهارشنبه‌ای که گذشت، در اقدامی حیرت‌انگیز، به گنجینه هنری شناخته‌شده بانک پاسارگاد، مال‌الله اطلاق کرد تا نشان دهد فرهنگستانی که باید پشتیبان بزرگ ورود بخش خصوصی به هنر باشد، چگونه می‌تواند به اقتصاد هنر آسیب رساند و از آن هولناک‌تر، نهادی که باید نماد اخلاق‌مداری و سلامت اندیشه باشد، اتهاماتی ثابت‌نشده درباره یک بخش خصوصی را که هشت سال مستأجرتش بوده، رسانه‌ای را که همگان عمق فاجعه بداخلاقی در جامعه امروز ایران را دریابند؛ اما در همان پیام کوتاه آقای معلم نکات جالب توجهی وجود دارد: یک: رئیس فرهنگستان هنر از دی ۱۳۸۸ به این مسند تکیه زده تا همین چهارشنبه نمی‌دانسته ۵۰۰ تابلوی بدون شناسنامه و سند و به قول خودش مال‌الله در مجموعه زیر نظرش نگهداری می‌شود و به محض اتمام مدت اجاره متوجه تابلوها و ماهیت مال‌اللهی‌شان شده است؛ دو: چرا در تمام این هشت سال رئیس فرهنگستان هنر دستور ندادند با هنرمندان این آثار تماس گرفته شود و از چندوچون خریدوفروش اطلاع‌یابد تا حق را به حقدار برساند؟ چرا همین چهارشنبه‌ای که گذشت، قبل انتشار پیام‌شان دست‌کم به چند هنرمندی که کارشان در این موزه هست، زنگ نزنند تا اطمینان یابند آنچه می‌نویسند، حق است و اموال مردم را مال‌الله نخوانند؟ شان فرهنگستان هنر، التهاب‌آفرینی رسانه‌ای است؟ سه: یکشنبه در روزنامه اصولگرایی خواندم که مؤسسه صبا فرهنگستان هنر تا پایان سال ۹۵ بالغ بر ۱۱۴۹۵۰۰۰۰ ریال به‌عنوان اجاره و خدمات نمایشگاهی از شرکت پارس آریان از زیرمجموعه‌های بانک پاسارگاد عایدی داشته، در پایان مدت اجاره آقای علی معلم، اجاره‌بها را چندین برابر کرد، بانک نپذیرفت، از این‌رو آقای رئیس، معلمی به کنار گذاشت و در موزه بانک را بست، دست به قلم برد و به اموال مستأجر هشت‌ساله‌اش اتهام‌هایی نثاروا زد. چهار: آقای معلم اصرار دارد این قرارداد پیش از ریاست ایشان امضا شده است که نمی‌دانم این چه تأثیری بر اصل موضوع دارد؟ یعنی ایشان در این هشت سال فرصت نکرده‌اند به قراردادهای مهم‌ترین مجموعه زیر نظرشان نگاهی بیندازند؟! ایشان، دوازدهم اسفند ۱۳۹۳ که آیین رونمایی از کتاب همین مجموعه تابلوها، در همین مؤسسه صبا با حضور وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمع زیادی از هنرمندان و گالری‌داران فروشنده آثار برگزار شد، کجا تشریف داشتند؟! پنج: آقای معلم به پیوست پیام‌شان چند جدول منتشر کرده‌اند که به‌روشنی نشان می‌دهد شرکت پارس آریان از چه اشخاص حقیقی و حقوقی، هریک از این آثار را خریده است (که انتشار این فهرست دیگر از موضوع اخلاقی رئیس فرهنگستان هنر است) به حسب حرفه روزنامه‌نگاری به چند نفر از هنرمندان و گالری‌داران این فهرست زنگ زدم، همه متفق بودند که اثرشان را در قبال دریافت پول به موزه بانک پاسارگاد فروخته‌اند و تطمیعی در کار نبوده است، اتفاقا بسیار هم خوشنود که در شکل‌گیری یک روزه خصوصی معتبر نقشی داشته‌اند؛ هرچند رئیس فرهنگستان هنر ارتباط چندانی با جامعه تجسمی ندارند؛ اما ایشان هم می‌توانند دست‌کم به آن فهرست که خودشان انتشار داده‌اند، زنگ بزنند و ببینند تک‌تک آن آثار شناسنامه و سندهای زنده دارند. شش: متأسفانه آقای معلم، به رسانه‌ها گفته است: «تابلوها معلوم نیست کدام اصالت دارد و کدام ندارد، مثلا تابلوهایی سهراب سپهری را آیا از خود او خریده‌اند؟ از خانواده‌اش خریده‌اند؟ حتی احتمال جعل یا سندسازی هم متفی نیست!». ایشان درحالی‌که تخصصی در زمینه تشخیص اصالت آثار ندارند، به‌روشنی به صاحب این آثار اتهام‌هایی زده‌اند که جز زیاده‌گذاشتن اخلاق تعبیر دیگری ندارد. از این امر مهم گذشته، شخصیت حقوقی ایشان به‌عنوان رئیس فرهنگستان هنر چنان است که باید مراقبت کند با گفته‌هایی غیرکارشناسانه زمینه‌ساز فرار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از هنر نشود. هفت: بانک پاسارگاد و شرکت پارس آریان، بنا به نام تعهدی اجتماعی که بنگاه‌های پیشرو اقتصادی در خود فرض می‌دارند، در این سال‌ها نقشی بی‌بدیل در رونق اقتصاد هنر ایفا کرده است، این روزها آنها حق دارند تلخ‌کام باشند؛ هرچند که کام جامعه هنری را با خرید از گالری‌ها و حراجی‌های معتبر مانند تهران، کریستدر و بونامز شیرین کرده‌اند و با رفتاری حرفه‌ای، ریسک‌ور ۲۰۸ میلیون دلار را به نام هنر ایران در منطقه خاورمیانه به ثبت رسانده‌اند. بانک پاسارگاد خود به‌خوبی از قدرشناسی هنرمندان باخبر است و به یقین این هلدینگ و دیگر بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی رفتار فرهنگستان هنر را به همه جامعه هنری تعمیم نمی‌دهند. . . . هشت: این روزها رئیس فرهنگستان هنر در رفتاری که از او کمتر دیده شده، مانند یک ماشین اتهام‌زنی، از این رسانه به آن رسانه در حال مصاحبه است، دیروز به یک خبرنگاری گفته استنادش برای این گفته‌ها، نوشته‌های چند سایت است... فقط باید به خدا پناه برد.

بهناز شیربانی؛ چندهفته‌ای است که موضوع چگونگی فعالیت گروه سینمایی «هنر و تجربه» بحث‌های بسیاری را دامن زده است. مدتی قبل امیرحسین علم‌الهدی، مدیر گروه سینمایی «هنر و تجربه» در پی اقدامات شورای صنفی نمایش خانه سینما یادداشتی را منتشر کرد که در نامه، اقدامات آنها را چوب لای چرخ گذاشتن مهم‌ترین دستاورد دولت یازدهم در حوزه فرهنگ و هنر نامید. پس از آن، همایون اسعدیان، رئیس شورای صنفی نمایش، در گفت‌وگویی با ایسنا، صحبت‌های علم‌الهدی را بی‌پاسخ نگذاشت و گفت: «رای صنفی نمایش و تک‌تک اعضایش مخالفتی با ذات «هنر و تجربه» ندارند و نه‌تنها مخالف آن نیستند بلکه برخی از اعضای شورا، طرح‌های مبنی بر ارائه‌اندازی چنین گروهی را هفت، هشت سال پیش خودشان به وزارت ارشاد داده‌اند و حالا آقای علم‌الهدی مدیریت آن را برعهده دارند و تصور می‌کنند مالکیتش مال ایشان است». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به نمایش فیلم‌هایی با داشتن سرگروه در سینماهای هنر و تجربه گفت: «آقای علم‌الهدی می‌گویند بیش از یک سال است که ما (شورای صنفی نمایش) چوب لای چرخ «هنر و تجربه» می‌گذاریم. من به صراحت می‌گویم ایشان خلاف واقع می‌گویند و حقیقت را پنهان می‌کنند. همین‌جا اعلام می‌کنم، شخص من همایون اسعدیان اشتباه کردم و از دوستان سازنده فیلم‌های «هنر و تجربه» عذرخواهی می‌کنم که سانس‌های فیلم‌هایشان را گرفتند و به این فیلم‌ها داده‌ام، نمی‌دانم آقای علم‌الهدی پاسخی به این دوستان دارند بدهند یا نه؟» با گذشت چند هفته از بحث مطرح‌شده پیرامون فعالیت‌های هنر و تجربه، سخنگوی شورای صنفی نمایش از لغو صدور حواله نمایش برای سینما «فرهنگ» خبر داد. غلامرضا فرجی سخنگوی شورای صنفی با اشاره به مصوبه جدید شورا درباره سینما فرهنگ بیان کرد: با وجود هماهنگی و



همراهی شورای صنفی نمایش با سینما فرهنگ در چرخه نمایش و عدم اجرای مصوبه این شورا طبق نامه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۹۶ این شورا، تا اطلاع ثانوی هیچ حواله‌ای برای سینما فرهنگ صادر نخواهد شد. شورای صنفی نمایش هفته گذشته تصویب کرد که از چهارشنبه ۱۱ مرداد ماه فقط سانس ۱۴ و ۱۶ در سینما «فرهنگ»، نمایش فیلم‌های هنر و تجربه برقرار باشد و فیلم‌های دیگری هم که می‌خواهند اکران شوند، باید حواله شورای صنفی نمایش را بگیرند. محدودکردن سانس‌های نمایشی‌دهنده فیلم‌های هنر و تجربه در سینما فرهنگ، واکنش‌های بسیاری به همراه داشته است و گویا طبق مصوبه شورای صنفی نمایش اکران یک فیلم در یک سال حداقل نیازمند سه سانس است و این موضوع در سینما فرجی سخنگوی شورای صنفی با اشاره فرجی در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه صحبت‌ها و مصوبات اخیر در

احسان محمدحسني در نخستين نشست رسمي خود تشریح کرد

چه کسانی پشتیبان «اوج» هستند

فراک آرتا



در این مسیر بی‌غلت هم نبوده‌ایم. این مدیر فرهنگی درباره جارت سازمانی «اوج» عنوان کرد: «اوج، ستادی کم‌عده و چابک با حدود ۵۰ نیرو است که درون خود چیزی تولید نمی‌کند و تجهیزات هنری ندارد، بلکه کار اصلی‌اش برنامه‌ریزی و شکارکردن ایده‌های جدید در عرصه‌های مختلف هنری است». محمدحسني یکی از افتخارات «اوج» را شناسایی استعداد‌های خوش‌ذوق و جوانان مؤمن عنوان کرد و آن را به‌مثابه «پژوهشگاه رویان» دانست. احسان محمدحسني به تولیدات مستند این مؤسسه نیز اشاره کرد: «تا امروز در حوزه مستند فرهنگ به‌مثابه کالایی لوکس بوده و همین نقشی یکی از دلایل تشکیل سازمان «اوج» بود». محمدحسني با کنایه به استفاده موسمی سیاست‌مداران از هنرمندان در بزرگه‌های انتخابات، افزود: «زمان انتخابات همه بسیج می‌شوند تا هنرمندان را احساساتی کنند و به کارزار بیاورند تا حرف‌هایی بزنند؛ اما با وجود سیری شدن ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی دریغ از یک فیلم سینمایی در حد بین‌المللی! البته وضعیت ما در حوزه ادبیات، هنرهای تجسمی و موسیقی هم همین‌گونه است. مسئولان هم تمرکز خود را روی برگزاری جشنواره‌های تکراری و بی‌تربق گذاشته‌اند و در سال بیش از ۳۰۰ جشنواره بی‌خاصیت، توسط دستگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی و با صرف میلیارد‌ها تومان پول برگزار می‌شود؛ اما دریغ از یک اتفاق ناب!». او ادامه داد: به‌همین‌دلیل در سال ۱۳۹۰ دست به دست هم دادیم با او لوپوت تولید محتوا «اوج» را به اینجا رساندیم. در مدت این شش سال نزدیک به ۱۱ اثر با ابعاد مختلف تولید کردیم. «اوج» برای تولید محصولات مرغوب همه ایده‌های مؤثر را روی هوا می‌زند. محصول مؤثر یعنی کار نو، مؤثر و با قیمت مناسب. در واقع ما از طریق تولیدات‌مان حرف می‌زنیم و قطعا کار‌های ما زیر ذره‌بین مردم، کارشناس و مسئولان هم هست؛ بنابراین ما با مسئولان توافق نانوشته‌ای کرده‌ایم که حرف‌زدن با آنها و تولید با ما باشد. به کارمان افتخار می‌کنیم؛ اما

در این مسیر بی‌غلت هم نبوده‌ایم. این مدیر فرهنگی درباره جارت سازمانی «اوج» عنوان کرد: «اوج، ستادی کم‌عده و چابک با حدود ۵۰ نیرو است که درون خود چیزی تولید نمی‌کند و تجهیزات هنری ندارد، بلکه کار اصلی‌اش برنامه‌ریزی و شکارکردن ایده‌های جدید در عرصه‌های مختلف هنری است». محمدحسني یکی بنیاد روایت و سیرح هنرمندان هم این است که بتوانیم از امکانات‌مان استفاده کنیم و موازی‌کاری نکنیم. در پایان باید بگویم ما بهای زیادی برای انقلاب پرداخت کرده‌ایم، خیلی از بچه‌های یتیم شهدا و خانواده‌هایشان هنوز چشم‌انتظار هستند. این خون‌ها برای انقلاب، جنگ، تحریم‌ها و... است. حالا به نظر شما واقعا قیمت تمام شده انقلاب و جنگ چقدر است؟ خوب است روی این موضوع دقیق فکر کنیم.»

محمدحسني درباره «پرواز به وقت شام»، فیلم جدید حاتمی‌کیا نیز گفت: «حاتمی‌کیا ترجیح داده بی‌حاشیه پیش برود و من هم با همین دست‌فرمان پیش می‌روم. مراحل پایانی فیلم‌برداری سیری می‌شود و ۷۰ درصد از ضبط آن به پایان رسیده و باید بگویم پروژه سختی است، برآورد مالی این فیلم هشت میلیارد تومان بود و تیم تولید تلاش می‌کنند زیر این قیمت تمام شود». احسان محمدحسني در برابر این پرسش اختصاصی «شرق» مبنی بر اینکه «چرا همچنان سینماگران را به انقلابی و غیرانقلابی دسته‌بندی می‌کنید»، گفت: «آیا در اسامی‌ای که من اعلام کردم، اسم همه هنرمندان به‌اصطلاح انقلابی بود؟ ما تولیدکننده اثر هستیم». همچنین به این سؤال «شرق» که «اگر فیلمی محصول مؤسسه اوج نظیر فیلم‌های اصغر فرهادی نامزد و در نهایت برنده جایزه اسکار شود، واکنش‌تان چه خواهد بود»، عنوان کرد: «بحث ما حضور یا عدم حضور فیلم‌های ایرانی در

شورای صنفی نمایش به موضوع اکران‌های هنر و تجربه خلاصه نمی‌شود، گفت: «بحثی که در خبرها به آن پرداخته شده روی کلیت اتفاق متمرکز بود. موضوع ما رعایت نکردن قوانین شورای صنفی نمایش از سوی سینما فرهنگ بود وگرنه که پیش از این سانس‌های اکران فیلم‌های هنر و تجربه به سینما فرهنگ تعریف شده است». او ادامه داد: «به این سینما نیز نامه داده شد که با شورای صنفی نمایش هماهنگ باشد، وگرنه در این مورد به‌هیچ‌وجه موضوع هنر و تجربه مطرح نیست». فرجی در پاسخ به این پرسش که طبق قانون شورای صنفی نمایش، کاهش سانس‌های نمایش‌دهنده فیلم به دو سانس خلاف مقررات است، گفت: «برای پردیس‌های سینمایی سه سانس چرخشی در نظر گرفته‌شده است، اگر شش سانس کامل در نظر بگیریم سانس اول، سوم و پنجم برای یک فیلم و دوم و چهارم و ششم برای فیلم دیگری تعریف می‌شود اما بحث هنر و تجربه مورد دیگری است، سانس‌های فیلم‌های هنر و تجربه به دلیل موقعیت مکانی سینما فرهنگ و کمک به سینمای بدنه تغییر کرده است و این تصمیم شورای صنفی نمایش بود». به زعم بسیاری از فیلم‌سازان و علاقه‌مندان به گروه سینمایی هنر و تجربه که در سال‌های اخیر توانسته‌اند بالاخره سانس‌هایی را برای تماشای فیلم‌هایی از جنس دیگر پیدا کنند، محدودکردن تعداد سانس‌های نمایش‌دهنده این فیلم، با وجود محدودبودن تعداد سالن‌های نمایش‌دهنده فیلم‌ها یک آسیب محسوب می‌شود. گروه سینمایی هنر و تجربه در مدت فعالیتش توانسته مخاطبانش را پیدا کند و به جایگاهی که مد نظرش بود نزدیک شده است و مشخص نیست با محدودکردن بیشتر سانس‌ها و سالن‌های این گروه سینمایی و عده بسیار زیادی فیلم‌ساز که علاقه‌مند به حضور در این گروه سینمایی هستند، واکنش‌های بعدی چه خواهد بود.

جشنواره‌ها و مراسم‌های خارجی نیست. هر چند می‌دانیم فرش قرمز جشنواره‌ها برای فیلم‌هایمان منطبق بر نگاه اتاق فکرشان و مبتنی بر منافع و اهداف آنهاست. حرف اصلی ما این است که فقط سیاه‌نمایی‌ها را به نمایش نگذاریم. ما با سیاه‌نمایی مسائل کشورمان در فیلم‌ها مخالفیم و نباید مانند مکس عمل کنیم که فقط پلیدی‌ها را نشانه بگیریم، بلکه ما می‌گوییم ایران زیبایی و نقاط قوت و مثبت هم دارد و چرا این زیبایی‌ها در هنر و فرهنگمان انعکاس پیدا نمی‌کند؟! مدیریت مؤسسه هنری – رسانه‌ای «اوج» در پاسخ به این سؤال «شرق» که «اساسا منابع و پشتوانه مالی شما چه نهادی است و در اتاق فکر «اوج» چه کسانی حضور دارند» گفت: «فقط می‌توانم بگویم هیچ سفارتخانه خارجی، اتاق فکر ما نیست. ظاهر و باطن «اوج» همین است که شاهدش هستید

و همچنین اعلام می‌کنم با افتخار سپاه پاسداران از این مؤسسه فرهنگی حمایت می‌کند و آن را در اختیار هنرمندان می‌گذاریم». او در پاسخ به سؤالی درباره برگزاری کنسرت سامی یوسف در ایران که پیش از این وعده‌اش داده شده بود، گفت: «مذاکرات زیادی با او و پدر او داشتیم و او به ایران هم آمده ولی بحث ما توافق مالی است که هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم. پیش‌بینی ما برای بهار است که این اجرا در تهران و تبریز و یک استان دیگر باشد و تمام تلاشمان را می‌کنیم این اتفاق بیفتد.» او درباره سریال «صدام» نیز گفت: «ما همچنان به این سریال جدی نگاه می‌کنیم اما نوبسنده این سریال با مرگ فرزندنش روبه‌رو شد و دیگر نتوانست آن را بازنویسی کند، تیم جدید احتیاج بود اما تیم جدید به این متن قبلی وفادار نبود و مورد قبول اوج قرار نگرفت. طبیعی است دنبال یک تیم جدید بگیریم، ما خانواده و بستگان و کاخ‌های صدام را نیاز داریم و کارگردانی می‌خواهیم که کار را سریع ببندد». احسان محمدحسني افزود: «ما به جوانان هم توجه می‌شویم، اخیرا جنگلی درباره زیرساخت «ایستاده در غبار» شد و برخی به آن پرداختند، شناسایی من بنشینید و بگویید فیلمی که اکران شده و سریالش قرار است پخش شود و اتفاقا پرتره یک فرمانده است، نباید کامل شود؟ باید بگویم که بعد از پخش سینمایی او فایل صوتی از احمد موسلیان به دستان رسید که او در حال معرفی خودش بود اما در فیلم حاشی‌اشاره‌ای به آن دانشگاهی که او در آن درس خوانده است، نشده بود. آیا اگر شما جای من بودید، اثر را تکمیل نمی‌کردید؟ «ایستاده در غبار» زمانی که به مهدویان سپرده شد، بعد از پژوهش نامش، «کودکی ناتمام بود» اما رفته‌رفته به تکامل رسید و تبدیل به «ایستاده در غبار» شد.»

خرابات

فترت فرهنگی و اجتماعی



جواد طوسی

● گاهی اوقات سری به سینما سروش (مولن روز سابق) که نزدیک منزل‌مان است و با صاحبش آقای مرتضی مطلق سلام‌وعلیکی دارم می‌زنم تا ببینم سینما‌روهای این زمانه از چه قماش‌ی هستند و رفتار و برخورد و همکلامی‌شان در سالن انتظار چگونه است و با خود سینما چه بده‌بستانی دارند. این حس کنجکاوی را با ایستادن دم در بعضی سینما‌ها از جمله «ایران» و «آزادی» و نظاره‌کردن مشتری‌های فیلم‌های در حال اکران، برطرط می‌کنم تا به یک جامعه‌شناسی دمدست و مقایسه تاریخی دست یابم. آنچه بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، ذهن و نگاه بتفنن در اغلب سینما‌روهاست. گویی برای آنها سینما و فیلم‌دین بهانه‌ای است تا از خانه گریز بزنند و اوقات روزمره‌شان را پر کنند و کناره‌م‌بودن را به‌نوعی توجیه کرده باشند. قدر مسلم این مواجهه سطحی و روزنایی در عرصه و تقاضا و وجوه کیفی فیلم‌ها تأثیر خواهد داشت.

یادم می‌آید در دوران نوجوانی و جوانی، با همین نگاه کنجکاوانه (منتها در کانون غریزه) خیابان‌های لاله‌زار، اسلامبول، نادری و ۲۴ اسفند سابق را تنها یا با خانواده و رفقا مسرونه می‌کردم، ویژگی و نقطه محوری آن دوران، مناسک و سلوک فیلم‌دین بود که در این روزگار قاتح‌هاش خوانده شده است. دیگر هیچ نشانی از آن شوروشوق و شیدایی و طی طریق نیست. آن‌موقع حتی فیلم‌های عامه‌پسند، مشتری‌های خاص خودش را داشت که «عشق‌فیلم»‌بودن را با بضاعت، فرهنگ و مناسبات و ادبیاتشان برکزاری می‌کردند یا در کنار سینمای «لانداوبزانکا»-بی و گیشه‌پسند، محیط و سینمایی بود که فیلم‌های به‌دردیخو‌ر و قابل بحث و اعتنا نمایش می‌دادند و در طول زمان به یک باتوق تبدیل شده بودند. در این مکان‌ها می‌توانستی فرهنگ و رفاقت و تغییر نگاه و قدرت انتخاب را ببینی و تجربه کنی و حال‌رو‌ز خوشی داشته باشی «بودن» و انگیزه‌داشتن را به‌خوبی حس کنی. آنچه در مشاهدات تلخ این دور‌نام بیش از همه خود را به رخ می‌کشید، خلأ و دوستی و همراهی در کانون فرهنگ و بستر سینماست. به‌ندرت جمعی را می‌بینی که با شناخت و تفاهم و نگاه دغدغه‌مند و انتخاب از قبل فکرشده، سراخ فیلمی آمده باشند. حتی در گروه «هنر و تجربه» نیز این حضور جمع‌یافته و هدفمند و عاشق کمتر دیده می‌شود و دیدار‌ها انفرادی و تک‌افشاده و غریبانه است. آیا واقعا جامعه ما دچار گسست فرهنگی شده و آن رفتارشناسی خودجوش اجتماعی‌اش را از دست داده است؟ در صورت مثبت‌بودن پاسخ، ریشه‌ها را در چه عواملی باید جست‌وجو کنیم و خودمان چقدر کم‌کاری کرده‌ایم و به این وضعیت دامن زده‌ایم؟

زیر آسمان فیروززمای

برگزاری نکوداشت مدیا کاشیگر

● مراسم بزرگداشت مدیا کاشیگر ساعت ۱۹ تا ۲۱ چهارشنبه، هجدهم مرداد، در بوستان گفت‌وگو برگزار می‌شود. به گزارش اینپا، در مراسم بزرگداشت مدیا کاشیگر شخصیت‌های فرهنگی و هنری سخنرانی خواهند کرد و هم‌چنین اجرای موسیقی زنده و نمایش‌نامه‌خوانی، شعرخوانی و پخش فیلم و صدا از مدیا کاشیگر دیگر برنامه‌های این مراسم هستند. علاقه‌مندان می‌توانند از طریق کوی نصر (گیشا)، خیابان شهید علیایی و همچنین مسیر اتوبان چمران جنوب به سمت کوی نصر در محل برگزاری مراسم آمفی‌تاتر سالن بهارستان، واقع در ضلع جنوبی بوستان گفت‌وگو حضور پیدا کنند.

فعالان قرآنی بیمه می‌شوند

● **گروه هنر**: براساس تفاهم‌نامه‌ای که میان معاونت قرآن و عترت وزارت ارشاد و صندوق اعتباری هنر منعقد شده، از این پس فعالان قرآنی عضو صندوق می‌توانند از تسهیلات بیمه‌ای صندوق مذکور بهره ببرند. این تفاهم‌نامه که ۱۱ مرداد به امضای محمدرضا حشمتی، معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حسین سیدزاده، مدیرعامل صندوق اعتباری هنر، رسیده قرار است مبنایی برای فراهم‌آوردن مقدمات بیمه فعالان قرآنی در سال‌های ۹۶ و ۹۷ از محل اختصاصی قانون بودجه سنواتی کل کشور قرار بگیرد. بنابر تفاهم‌نامه صورت‌گرفته، تهیه فهرست فعالان قرآنی مورد تأیید، به تعداد معادل سهم دولت برای یک سال تمام (۱۰ درصد پایه حقوق مصوب شورای‌عالی‌کار به ازای هر نفر) و ارسال فهرست مشخصات فعالان مورد تأیید، مطابق با استانداردها به صندوق اعتباری هنر و پیگیری واریز مبلغ ۳۳ میلیارد ریال به حساب صندوق اعتباری هنر بابت استمراز بیمه در سال دوم از معاونت توسعه مدیریت و تأمین منابع از جمله تعهدات معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

لغو حواله نمایش سینما فرهنگ؛ جدال «بدنه» با «تجربه»

شهرام ناظری: ناصر فرهودی هیچ نقطه منفی‌ای نداشت

گفت که ما در این سال‌ها روی فرهنگ کار نکرده‌ایم و فرهنگ و هنر برای رسانه‌ها مهم نبوده است و افزود: به‌همین‌دلیل، قسری از موضوع فرهنگ عقب مانده‌اند ، اما افرادی مانند فرهودی هستند که فرهنگ بالایی دارند. ناظری، فرهودی را به‌لحاظ اخلاق و صدا‌برداری فوق‌العاده دانست، زیرا با عشق و تخصص برخورد می‌کرد، او ادب و شخصیت اعلائی داشت. او از خبر درگذشت ناصر فرهودی جا خورده است، چون این خبر بسیار ناگوا‌ری بود، چندسالی بود که این‌گونه خبری به او داده نشده بود. فرهودی نیست و کسانی مانند پسرش، میلاد فرهودی، جانشین او هستند، اما رنگ و بو و نفس او بسیار مهم بود.

این افراد، نفس و حضوری دارند که حس خاصی از آنها تراوش می‌شود. او آوازخوان تصریح کرد: برخی فکر می‌کنند مرگ مال همسایه است، اما این موضوع به همه ما نزدیک است، مهم این است که از کجا آمده‌ایم، کجا هستیم و به کجا می‌رویم و باید از میزان خشونت و بدجنسی‌ای که در ما تبلور کرده و بیشتر هم شده است، کم کنیم. ناظری با بیان اینکه درگذشت ناصر فرهودی خیلی دردناک است، گفت: من خیلی متأثر شده‌ام و از این به‌بعد، برایم دشوار است که به استودیو «پاپ» بروم یا از آن منطقه رد شوم.

او همچنین بخشی از اثر معروف «آتش در نیستان» را با آواز خواند.